

اشاره:

در این مقاله، ابتدا تعاریف استاد مطهری درباره فلسفه نظری تاریخ بیان شده و سپس به مسائل تأثیرگذار در این اندیشه استاد اشاره شده و نتایجی از آن به دست آمده است. مقاله نتیجه می‌گیرد که سیر تکاملی بشر به سوی آزادی از اسارت‌های طبیعی و مادی و گرایش به ایمان است و نبردهای حق و باطل، در عصر ظهور حضرت مهدی موعود(عج) به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌گردد.

تعریف فلسفه تاریخ

استاد مطهری برای فلسفه نظری تاریخ دو تعریف دارد:

۱. علم به تحولات و تطورات جوامع؛^۱
 ۲. علمی که ماهیت و چیستی تاریخ، اصول حاکم بر بشر و نیروی اصلی گرداننده تاریخ بشر را بیان می‌کند.^۲
- صاحب نظران فلسفه نظری تاریخ، بیشتر به تعریف دوم نظر دارند.

خوش‌بینی نسبت به آینده

به نظر استاد مطهری، یکی از اصول مهم تفکر قرآنی و جهان‌بینی توحیدی، «فلسفه تاریخ» است.^۳ در صدر این بحث، مسئله خوش‌بینی و بدبینی به تاریخ و انسان^۴ و

به طور کلی، نگرش قرآن به آینده انسان و جامعه بشری مطرح می‌شود.^۵ به نظر ایشان، چهار نظریه درباره آینده بشر وجود دارد که استاد، نظریه چهارم را اختیار کرده است. این چهار نظریه عبارتند از:

یکم. به عقیده فلاسفه بدبین، شر و فساد و بدبختی جزء جدایی‌ناپذیر حیات بشری است. انسان، اصلاح‌پذیر نیست و بزرگ‌ترین خدمت به بشر، خاتمه دادن به حیات انسان‌هاست.^۶ استاد بین ماتریالیسم و بدبینی فلسفی، به ملازمه انکارناپذیر قائلند و علت آن را ناتوانی ماتریالیسم در حل مشکل شرور می‌داند.^۷

دوم. عده‌ای مانند اینشتین معتقدند بشر بر اثر پیشرفت حیرت‌آور تکنیک و ذخیره وسائل مخرب، به احتمال زیاد، خود را نابود خواهد کرد. استاد مطهری، این احتمال را با مقیاس علل و عوامل ظاهری، به جا می‌داند.^۸

سوم. بشر در ذات خود نه خوب است و نه بد؛ زیرا خوب و بد اصالت ندارد و تحت تأثیر ابزار تولید است. خیر و شر، تابع نظام تولید و معلول مالکیت فردی

به شمار می‌آید. فجر تاریخ (کمون اولیه) نورانی است، سپس ظلمت سراسر تاریخ را فرا می‌گیرد، اما تکامل ابزار تولید این ام‌الفساد را ریشه‌کن خواهد کرد و در سوسیالیسم و کمونیسم نهایی، نور و عدل و خیر به جامعه بشر باز می‌گردد.^۹

چهارم. نه شر جزء جدایی‌ناپذیر بشر است و نه جبر تمدن، خودکشی دسته‌جمعی پیش می‌آورد، بلکه آینده‌ای روشن در انتظار بشر است و انسان بالفطره در راه تکامل فکری، اخلاقی و معنوی پیش می‌رود.^{۱۰}

خیر و شر و نظام احسن

به نظر استاد مطهری، اشکال شرور که از مهم‌ترین مسائل فلسفه به شمار می‌آید، موجب پیدایش فلسفه‌های «ثنویت» و «مادی‌گری» و «بدبینی» گردیده است.^{۱۱} برای تقویت نظر استاد در بحث خوش‌بینی به آینده بشر، طرح این بحث ضرورت دارد.

به عقیده ایشان، نظام هستی اولاً حکیمانه و ثانیاً اصلح و احسن است؛ یعنی کامل‌ترین

آینه‌های برای اصلاح

فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه شهید مطهری

سید کاظمین کبیری

جهان ممکن به شمار می‌آید.^{۱۲}

شیطان

استاد مطهری با بیان معلومات^{۱۳} وسیع شیطان (شناخت و اعتقاد به خدا، معاد، اسماءالله، انبیا، مخلصان، خالقیت و ربوبیت تکوینی پروردگار)، او را از عوامل انحراف بشر می‌داند که با حزبش تأثیر مهمی در عالم دارند.

ایشان، شیطان را شرّ نسبی می‌داند که وجودش در نظام احسن، همانند فرشتگان ضرورت دارد تا زمینه امتحان که هدف قریب آفرینش است، فراهم گردد، بلکه فراتر از آن، می‌گوید پست گمراه‌سازی را خداوند متعال به او اعطا فرموده است.^{۱۴} البته توجه داریم که اضلال الهی، اضلال کیفری است، نه ابتدایی و اضلال کیفری، به سوءاختیار اهل ضلالت برگزیده می‌شود.^{۱۵} قلمرو شیطان در حد وسوسه است.^{۱۶} پس

ملائکه، روح، لوح، قلم و کتب سماوی، وسایطی هستند که فیض الهی و قضا و قدر الهی به اذن پروردگار، به وسیله آنها جریان دارد.

هم باید به علم وسیع و قدرت نفوذ او در سینه‌ها توجه داشت - به طوری که پیامبر اعظم (ص) از حضور او به خداوند متعال پناه می‌برد - و هم این‌که یاد خدا، راه نفوذ شیطان را سدّ می‌کند.^{۱۷}

گفتنی است شیطان تا «یوم یبعثون» مهلت خواست، اما خداوند تا زمان معینی به او مهلت داد.^{۱۸}

یعنی شیطان تنها مهلت یافته نیست، بلکه موجودات دیگری در مقابل القانات او وجود دارند تا مردم را به خیر دعوت کنند.^{۱۹} افزون بر آن، مهلت تا وقت معلوم است که امام سجاد (ع) فرمود: مهلت زمان یعنی برای شیطان تا روز قیام قائم آل محمد (عج) خواهد بود.^{۲۰}

نقش دین انبیا و اولیا در تاریخ

استاد مطهری، هدف انبیا را شناختن خدا و قرب به او (توحید نظری و عملی فردی) و برقراری قسط و عدل در جامعه بشری

(توحید اجتماعی) می‌داند. دومی در عین آن‌که به خودی خود ارزش دارد، ولی مقدمه رسیدن به هدف اصلی است.^{۲۱}

به نظر ایشان، دعوت انبیا در مردم تحریک ایجاد می‌کند^{۲۲} و در این باره می‌فرماید: «ناموس آفرینش، جهان را مسخر انسان و انسان را مسخر نیروی ایمان و پیامبران را سلسله‌جنیان این نیرو قرار داده است.»^{۲۳} استاد مطهری در رد کسانی که نقش پیامبران را منفی می‌دانند، یعنی متظاهران به روشن‌فکری و پیروان مارکسیسم و نیچه، می‌گوید:

دین نه تنها ترمز پیشرفت بشر نیست، بلکه جنبه‌های مادی تمدن بشر در پرتو تکامل جنبه معنوی تمدن رشد می‌یابد. تاریخ را نمی‌توان صرفاً بر اساس تضاد منافع طبقاتی توجیه کرد و جنبه‌های انسانی تاریخ را نادیده گرفت، ضمن آن‌که انسان برتر مساوی با انسان قوی‌تر نیست.

به عقیده ایشان، به جز سه گروه گذشته، همه، حتی منکران ادیان، نقش انبیا را در گذشته، مفید و مثبت می‌دانند، ولی در مورد آینده، برخی از این گروه‌ها معتقدند با پیشرفت علوم، تعلیمات دینی به تدریج نقش خود را از دست خواهد داد، در صورتی که ایمان و ایدئولوژی مذهبی، جانشین ندارد.^{۲۴}

استاد مطهری، نقش تاریخی انبیا را «تعلیم و تربیت»، «استوار ساختن میثاق‌ها و پیمان‌ها» و «آزادی از اسارت‌های اجتماعی» می‌داند^{۲۵} و معتقد است بزرگ‌ترین حادثه عالم، تأثیرگذاری قرآن بر سرنوشت بشر است که مسیر تاریخ را تغییر داد^{۲۶} و پیامبر اعظم، دعوتی را آغاز کرد که در کم‌تر از نیم قرن سراسر جهان متمدن را فرا گرفت.^{۲۷} این دعوت، سه بعدی است؛ هم، سطح بسیاری را اشغال می‌نماید، هم قرن‌های متمادی در کمال اقتدار حکومت می‌کند و هم تا اعماق روح بشر ریشه می‌دواند.^{۲۸} همان‌ها که سال‌ها شعار «دین افیون ملت‌هاست» را سر می‌دادند، اعتراف می‌کنند که اسلام، عامل تحرک اجتماع است.^{۲۹}

بعد از رحلت رسول اعظم (ص)، اهل بیت (ع) در جایگاه خود قرار نگرفتند، ولی با امر به معروف و نهی از منکر (مانند

قیام کربلا)، نشر علم و معارف (مانند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه) و جهاد علمی باقرین (ع) و تقوای عملی، موارث معنوی پیامبر اعظم (ص) را حفظ کردند.^{۳۰}

به عقیده ایشان، ملت عظیم‌الشان ایران با اقتدا به حضرت امام خمینی (ره) و با سرخوردگی از لیبرالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی، وقتی به اسلام اصیل بازگشت، توانست این انقلاب را به وجود آورد^{۳۱} که ان شاءالله به ایران محدود نمی‌ماند.^{۳۲}

بشر با ایمان به یک حقیقت، منافع خود را فدای ایمانش می‌کند و در راه آن، با طرف مقابل که به دنبال منافع شخصی است، می‌جنگد.

قوانین و سنت‌های الهی

به نظر استاد مطهری «آن‌چه در اصطلاح فلسفه به نام "نظام جهان" و "قانون اسباب" خوانده می‌شود، در زبان دین، سنت الهی نامیده می‌شود».^{۳۳}

برخی سنت‌های الهی، مطلق و برخی دیگر مقیدند. سنت‌های مقید و مشروط، برخی مخصوص اهل حق و برخی دیگر مخصوص اهل باطل است.^{۳۴} با این حال، باید توجه داشت که به عقیده ایشان، سنن و قوانین لایتخلف حاکم بر عالم، لازمه نظام علی و معلولی جهان است. این نظام متقن هم در علل و معلولات مادی جریان دارد و هم در غیرمادی. ملائکه، لوح، قلم و کتب سماوی، وسایطی هستند که فیض الهی و قضا و قدر الهی به اذن پروردگار، به وسیله آنها جریان دارد.^{۳۵}

یکی از سنت‌های الهی، «پیروزی حق بر باطل است». به عقیده ایشان، جنگ حق و باطل همیشگی است^{۳۶} یعنی بشر با ایمان به یک حقیقت، منافع خود را فدای ایمانش می‌کند و در راه آن، با طرف مقابل که به دنبال منافع شخصی است، می‌جنگد.^{۳۷}

به نظر ایشان، باطل همواره مغلوب خواهد شد به شرط آن‌که اهل ایمان به وظیفه خود که مبارزه با باطل است،^{۳۸} عمل کنند و در پیروی از حق پایدار باشند.^{۳۹} ظهور

مهدی موعود (عج) حلقه‌های از حلقه‌های مبارزه حق با باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود.^{۴۰}

فطرت

استاد مطهری معتقد است در جنگ حق و باطل، فطرت الهی انسان‌ها عامل اصلی مبارزه است:

تنها این مبارزات بوده که تاریخ را از نظر انسانیت و معنویت‌های انسانی به پیش رانده است. نیروی محرک اصلی این مبارزه... همان عامل غریزی و فطری گرایش به حقیقت و شناخت نظام وجود - چنان‌که هست - و گرایش به عدالت یعنی ساختن جامعه - چنان‌که باید - بوده است.^{۴۱}

استاد مطهری، پنج نظریه نژادی، جغرافیایی، قهرمانان، اقتصادی و الهی را عامل محرک تاریخ می‌داند که همگی دچار نوعی خلط مبحث هستند.^{۴۲} البته معتقد است که نواخ، نقش فوق‌العاده‌ای داشته‌اند، اما به این معنا نیست که تنها عامل سازنده تاریخ و جامعه بوده‌اند.^{۴۳} به نظر ایشان، پیامبران هم جامعه را در جهت فطرت حرکت داده‌اند.^{۴۴}

ظهور مهدی موعود (عج) حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه حق با باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود.

انسان خصایصی دارد که به موجب آنها زندگی اجتماعی‌اش تکامل می‌یابد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. استعداد حفظ و نگاه‌داری تجارب؛
۲. مجهز بودن به نیروی عقل و ابتکار؛
۳. استعداد یادگیری از راه بیان و قلم؛
۴. میل ذاتی و علاقه فطری به نوآوری و خلاقیت.^{۴۵}

بر اساس بینش فطری، انسان در آغاز پیدایش شبیه نوار خالی نیست، بلکه به نهالی شباهت دارد که استعدادهای ویژه‌ای در آن نهفته است.^{۴۶} ایشان چنین نتیجه می‌گیرد:

۱. نبردهای پیش‌برنده تاریخ، میان انسان

متعالی و انسان بی‌مسلک رخ داده است؛
۲. توحید که مهم‌ترین سرمایه سعادت بشر است، به هر شکل به خطر افتد، مبارزه را مشروع می‌کند؛

۳. اصلاحات جزئی نه تنها محکوم به شکست نیست، بلکه بر سرعت آهنگ حرکت تاریخ به سود اهل حق می‌افزاید؛
۴. سیر تکاملی بشر به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی و بیشتر، به سوی دستیابی به اصالت ایمان است.^{۴۷}

پی‌نوشت‌ها:

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۶۹.
۲. همان، ج ۱۳، ص ۶۱۲.
۳. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۰۵.
۴. مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۹۹۸.
۵. آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۱۲.
۶. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۸؛ آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۸.
۷. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۹۸.
۸. قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۸-۵۹؛ مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۴۷؛ ج ۲۳، ص ۶۴۹-۶۵۰.
۹. آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۱۲؛ مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۱۰۰۴-۱۰۰۷؛ قیام و انقلاب مهدی ۴ از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۹.
۱۰. قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵-۶ و ۵۹-۶۰.
۱۱. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۱۱.

۱۲. به تعبیر حکما که بیشتر کلمه «عنايت» را به کار می‌برند، «كون الواجب عالما بنظام الخیر لذاته، علته لنظام الخیر لذاته و راضيا بنظام الخیر لذاته»؛ همان، ج ۲، ص ۱۴۳.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۲۹۱-۲۹۲.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۹۷؛ آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹. وَأَسْتَفْزُزُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ يَصُونَكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجُلِكَ وَشِيارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ وَمَا يَعِدُهُم الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا. سوره اسراء، آیه ۶۴.

۱۵. آشنایی با قرآن، ج ۱۰، ص ۱۵۰؛ عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۴۶۶-۴۷۴.

۱۶. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۹۴-۹۸.
۱۷. وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ؛ سوره مؤمنون، آیه ۹۸. إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ سوره اعراف، آیه ۲۰۱.
۱۸. فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ سوره ص، آیه ۸۰-۸۱.

۱۹. الميزان، ج ۱۴، ص ۱۶۳.

۲۰. «الوقت المعلوم يوم قیام القائم (عج) فیضرب عنقه»؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص

۳۷۶.
۲۱. مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۷۵-۱۷۹؛ آشنایی با قرآن، ج ۷، ص ۱۴۰.
۲۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲۴. مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۴.
۲۵. مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ ج ۲۳، ص ۴۳۸-۴۴۰ و ۴۶۱-۴۶۲.
۲۶. آشنایی با قرآن، ج ۱۰، ص ۱۶۰.
۲۷. مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۱۸.
۲۸. همان، ج ۱۶، ص ۳۳.
۲۹. همان، ج ۳، ص ۱۶۴.
۳۰. یادداشت‌ها، ج ۹، ص ۱۸۴-۱۸۶.
۳۱. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۲۱.
۳۲. همان، ص ۲۰.
۳۳. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۳۵.
۳۴. نک: جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۲۴-۴۵۸.
۳۵. مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۳۵.
۳۶. همان، ج ۳، ص ۴۲۸.
۳۷. پانزده گفتار، ص ۲۹۷-۲۹۸.
۳۸. آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۵۶.
۳۹. همان، ص ۴۸.
۴۰. قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۸.
۴۱. مجموعه آثار، ج ۲، ص ۴۵۷.
۴۲. همان، ص ۴۹۰-۴۹۴؛ ج ۱۵، ص ۴۸-۵۰ و ۶۰-۶۱، ۸۰-۹۸، ۴۰-۴۱ و ۶۹-۷۲.
۴۳. همان، ج ۱۵، ص ۶۴.
۴۴. همان، ص ۱۵۳.
۴۵. همان، ج ۲، ص ۴۹۴-۴۹۶.
۴۶. همان، ص ۳۵.
۴۷. همان، ص ۴۱-۵۱.